

تبیین جایگاه حقوقی دفاع مربوط به خطر توسعه علم و فناوری از منظر حقوق تطبیقی، به همراه تحلیل آن بر مبنای ایده کارایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

میلاذ مشایخ*

حسن بادینی**

غفور خوئینی***

چکیده

مسئولیت ناشی از عیب تولید که از موضوعات خاص مسئولیت مدنی به معنای عام محسوب می‌شود چندینست که جایگاه مناسب خویش را نزد حقوق دانان و اندیشه‌وران عرصه مسئولیت به دست آورده است، این توجه در راستای پاسخ به نیاز جوامع توسعه‌طلب کنونی به وجود آمده و رفته‌رفته نیز گسترش یافته است، اما در میان عمومات مسئولیت مدنی تولیدکننده معیب، که میراث خوار دکتترین مسئولیت بوده و با اندکی کنکاش و در کسری از ثانیه به ابهامات نظریه‌پردازان پاسخ می‌دهد، پرسشی پیرامون جایگاه حقوقی دفاع مربوط به خطر توسعه علم و فناوری در پرتو نقص علم همگانی در زمان تولید و عرضه محصول معیب بیش از پیش موجبات اندیشه‌ورزی را در این خصوص فراهم آورده است، که رهاورد این تفکر نزد کشورهای ترقی‌طلب، یافتن جایگاه مناسب دفاع مزبور در متون قانونی آنها می‌باشد. در این مقاله جهت یافتن پاسخ سؤال فوق بر آنیم تا اثبات نماییم خطر توسعه علم و فناوری در کجای هندسه حقوق مسئولیت مدنی ایستاده و دفاع مربوط به آن، چه میزان موجب کارایی نهایتاً بهره‌وری توسعه‌محور خواهد شد، کما اینکه با اندیشیدن تمهیداتی مطلوب می‌توان حقوق مصرف‌کننده را نیز حفظ نمود.

واژگان کلیدی: بهره‌وری، خطر توسعه، عیب تولید، کارایی، مسئولیت محض، نوآوری.

* دانشجوی دکترا فقه و حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).
Mashayekh_khu@yahoo.com

** دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hbadini@ut.ac.ir

*** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
hkhoieini@khu.ac.ir

مقدمه

چندیست صاحبان قلم و اصحاب پژوهش، سیمای مسئولیت مدنی را به نیازهای عرصه تولید می‌آریند تا در آغوش تدبیر حقوق‌دانان بیاساید. در این راستا حاصل تلاش حقوق‌پژوهان نیز مسئولیت ناشی از عیب تولید^۱ نام‌گذاری گشته است. آنان به درستی دریافته‌اند که دیگر دوره تبیین عموماً و تشریح ماهیات بسر آمده، بدین‌سان با در نظر انگاشتن نیازهای جامعه خویش به توسعه و بالتبع وابستگی توسعه به تولید، خواهان دریافتی صحیح در قبال ابهامات ذهنی خویش از مسئولیت مدنی حوزه تولید هستند. توجه به قوانین جاری کشورها در عرصه مسئولیت تولیدکننده این نتیجه را به دست می‌دهد که این نوع خاص از ضمان بیش از سایر شاخه‌های مسئولیت مدنی فرزند زمانه خویش بوده و حوادث دوران را به خود دیده است. اثبات این مدعا تنها با نگاهی به مبنای مختار نزد حقوق‌دانان از برای مسئولیت تولیدکننده به سهولت امکان‌پذیر خواهد بود. در میان قواعد مسئولیت ناشی از عیب تولید که به نظر می‌رسد نمی‌تواند نسخه‌ای ثابت نزد تمامی کشورها باشد، آنچه بیش از پیش حقوق‌دان را به مذاقه واداشته است مسئله نقص علم همگانی در زمان تولید و عرضه فرآورده معیب می‌باشد، که نتیجه‌ای را جز عیب تولید به همراه نخواهد داشت، پاسخ به ابهام ذهنی مزبور که در اصطلاح بدان خطر توسعه^۲ گفته می‌شود با توجه به نقش آن در توسعه بسیار حائز اهمیت خواهد بود. چرا که اگر ما کارایی اقتصادی در نتیجه بهره‌وری و توسعه را هدف بخشی از حقوق ترسیم نماییم چاره‌ای نخواهیم داشت جزء اینکه حمایت حداکثری قانون را به نکاح تولیدکننده در آوریم. به همین مناسبت باید دفاع مربوط به خطر توسعه^۳ را پذیرفته و آن را در جایگاه اصلی خویش بنشانیم. بنا بر تفصیل فوق پاسخ به پرسشی پیرامون چگونگی جایگاه حقوقی دفاع مربوط به خطر توسعه علم و فناوری و همچنین تحلیل این نوع خاص دفاع از منظر کارایی، غایت تدوین این نوشتار توسط نگارندگان به حساب آمده است. به طور کلی به نظر می‌رسد حقوق در پرتو این موضوع نقش خویش را در مدیریت توسعه^۴ و مدیریت خطر^۵ بازشناسی خواهد کرد و در واقع به یک آینده‌پژوهی^۶ خواهد پرداخت. تحقیقات صورت گرفته در مقاله پیش رو از تبیین مفهوم خطر توسعه آغاز گشته، به واسطه تبیین جایگاه آن از منظر حقوق تطبیقی ادامه یافته و در نهایت نیز با تحلیلی مبتنی بر کارایی از این نهاد حقوقی پایان می‌پذیرد.

۱. تبیین مفهوم خطر توسعه و جایگاه آن از منظر حقوق تطبیقی

۱-۱. مفهوم توسعه، عیب تولید و خطر توسعه

۱-۱-۱. تبیین مفهوم توسعه^۷

توسعه در لغت فارسی به معنای گشاد کردن و فراخ کردن آمده است و از اشتقاق‌های لغت مزبور توسعه یافتن می‌باشد که عبارت مزبور را ترقی کردن نیز معنا نموده‌اند (معین، ۱۳۸۸، ص. ۸۵۱). واژه فوق در فرهنگ لغت آکسفورد نیز تحت عبارتی چون: رشد تدریجی در جهت پیشرفته شدن و حتی بزرگ شدن معنا گشته است (Oxford, 1998, p. 801) و اما از منظر علمی، «توسعه» مفهومی کلیدی در علوم اجتماعی^۸ است، که موضوعات گوناگونی را در اندیشه رشد جوامع، در ابعاد مختلف: فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دربر می‌گیرد (موثقی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۴). بر این اساس متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی در فضایی پوزیتیویستی هر یک کوشیده‌اند بر اساس رشته تخصصی خود تعریفی ارائه کرده و تجویز نمایند. در واقع توسعه که به تدریج جایگزین مفاهیم دیگری نظیر «ترقی»^۹، «تکامل»^{۱۰} و «رشد»^{۱۱} شد، در ابتدا از علوم طبیعی استخراج گردید سپس در مورد فرایند تغییر در جوامع بشری به کار گرفته شد، بدین سان که به مثابه توالی بیولوژیکی تغییر از یک دانه و تخم گیاه به یک گل به کار رفت (Hass, 1992, p. 21; Barnet, 1989, p. 15). این استعاره بیولوژیکی به گواه دانشمندان توسعه‌پژوه از ربع آخر قرن هجدهم میلادی در حوزه اجتماعی به کار گرفته شده به شکلی که ژوستوس موزر^{۱۲} بنیان‌گذار محافظه‌کار تاریخ اجتماعی از ۱۷۶۸ میلادی لغت Entwicklung^{۱۳} را با ارجاع به فرایند تدریجی تغییرات اجتماعی به کار برد، البته در این میان پژوهشگران دیگر نیز بی‌توجه نبوده و لغت مزبور را تحت معانی مختلف در نوشته‌های خویش به کار بستند (موثقی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۶؛ Riggs, 1984, p. 125; Esteva, 1992, p. 8). اما آنچه مسلم است، مجرای تمامی مبادی توسعه در شاخه‌های مختلف دانش داعم از تجربی، انسانی و... توسعه و ترقی علم است، چرا که توسعه عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت علمی اعم از فیزیکی، انسانی و اجتماعی که دو هدف را به طور خاص دنبال می‌کند. ۱- افزایش دانش مردم جامعه، ۲- استفاده از آن دانش برای تولید فناوری (شاهین و مهبد، ۱۳۸۵، ص. ۶). با در نظر داشتن هدف دوم از توسعه علم که همانا

استفاده از دانش توسعه یافته برای تولید فناوری می‌باشد با مراجعه به منابع متعدد به مویذات دیگری در این خصوص دست پیدا خواهیم کرد. در این میان به گواه برخی از دانش‌پژوهان، تاریخ توسعه علم را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱- دوره اول: دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ را دربر می‌گیرد به این زمان توسعه عمدتاً بر اساس مفهوم رشد تولید سرانه تعریف گردید، ۲- دوره دوم: دهه ۱۹۷۰ است، در این دوره توسعه معادل مفهوم رشد تولید توأم با مساوات تعریف می‌شود، ۳- دوره سوم: که از دهه ۱۹۸۰ آغاز می‌شود، دوره رشد تولید و اصلاح سیاست‌گذاری‌ها نام نهاده شده است^{۱۴} (حریری، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۷۹). در این میان برخی دیگر نیز، به واژه تولید تحت عنوان یکی از مظاهر توسعه‌یافتگی علم استناد جسته‌اند. تمامی مقدمات پیش گفته بدین دلیل تقریر یافته‌اند که اثبات نماییم گسترش تولید به عنوان یکی از مظاهر توسعه‌یافتگی علم تلقی گردیده و به طور کلی از خوان توسعه ارتزاق می‌نماید، وجوه این استدلال در محصولات تولید شده جدید از قبیل: تولیدات پزشکی (اعم از داروها، واکسن‌ها، مکمل‌های غذایی و...) فراورده‌های خوراکی (مانند: محصولات ترنسژنیک) نمود بیشتری دارد. زیرا همان‌طور که این محصولات از توسعه علمی، پیرامون تکامل خویش بهره می‌برند در نقطه مقابل نیز ممکن است به واسطه علم مرتبط تکامل یافته، عیب موجود در آنها آشکار شده و سبب معیب شمردن فراورده را به همراه آورد.

حلقه واصل مطالب پیش گفته با مفاهیم حقوقی را می‌توان در باب عیب تولید و بالتبع مسئولیت ناشی از عیب تولید مشاهده نمود، تا جایی که یکی از برجستگان این عرصه در اندیشیه و پژوهش^{۱۵}، برای نخستین بار در حقوق ایران ذیل مقاله‌ای تحت عنوان «حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه» صرفاً به عبارت «خطر توسعه» اشاره نموده و تعریف مختصری نیز از آن ارائه کردند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۶) که با لحاظ مقدمات عرضه شده، تبیین عنوان «خطر توسعه» ذیل عنوان «مسئولیت تولیدکننده معیب» توسط ایشان بی‌وجه نبوده، چرا که یکی از مجاری عمده تولید، توسعه علم است و تولید بدون توسعه علم سالبه به انتفای موضوع خواهد بود. با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد، در این بخش باید به شکل تخصصی وارد بحث دفاع خطر توسعه و تبیین نگرش کشورهای مختلف پیرامون این پدیده خاص شویم.

۱-۲-۱. مفهوم عیب کالا و خطر توسعه

عیب کالا را نقصی که از ارزش کالا با انتفاع متعارف آن بکاهد تعریف نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۳) و به همین ترتیب مسئولیتی که به واسطه عیب فوق برای تولیدکننده محصول معیب ایجاد می‌شود را اختصاراً مسئولیت مربوط به عیب تولید گویند، مسئولیتی که ابتدای آن بر نظریه مسئولیت محض^{۱۶} بوده^{۱۷} که پس از گذار از یک دوره رکود اقتصادی به تبیین این نظریه جهت ابتدای مسئولیت تولیدکننده بر آن، با وجود نظریات شایعی همچون تقصیر، خطر... مناسب تشخیص داده شده است. اما، از موجبات عیب تولید، گاهی نقص علم تولیدکننده معیب می‌باشد، در یک تقسیم‌بندی نقص را هم می‌توان به دو قسم نقص علم همگانی و غیرهمگانی (نسبی - شخصی) تقسیم نمود. بر مبنای تقسیم‌بندی مزبور، نقص علم نسبی و شخصی تولیدکننده، سپس تولید کالای معیب به جهت احراز مسلم شرایط سه‌گانه مسئولیت، موجب مسئولیت تولیدکننده و عدم قابلیت استماع دفاع ناشی از نقص علم توسط تولیدکننده در این زمینه خواهد بود، لکن در باب نقص علم همگانی، که پدیده‌ای مشترک بین تمامی جوامع بشری در یک نوع خاص از علم و بالتبع تولید محصول جدید محسوب می‌شود و در نهایت عدم مسئولیت تولیدکننده، همچنین پذیرش دفاع ناشی از نقص علم همگانی توسط تولیدکننده را به ارمغان می‌آورد، موجب گفتگوهای متعدد بین نظام‌های حقوقی مختلف گردیده، در حقیقت، منظور این باب معافیت تولیدکننده معیب، که تحت عنوان خطر توسعه^{۱۸} معروف گشته است^{۱۹}، در نوشتار پیش رو: «عیب و نقصی پُرخطر و غیرقابل تسامح در فرآورده^{۲۰} می‌باشد، که بر اساس سطح دانش تولید آن محصول در زمان عرضه به بازار هدف، امکان تشخیص آن وجود نداشته، لکن در آینده، به واسطه توسعه علم و فناوری قابل شناسایی خواهد بود». به همین ترتیب تمسک تولید و عرضه‌کننده به وضعیت نقص همگانی و فراگیر دانش زمان تولید محصول معیب، برای معافیت از مسئولیت، «دفاع خطر توسعه»^{۲۱} نام دارد. و نتیجه نهایی نیز که این دفاع برای عرضه‌کننده به بار می‌آورد صرفاً معافیت از مسئولیت خواهد بود، به تعبیر نگارندگان تبیین مفهومی همچون دفاع خطر توسعه راهی ست گشوده شده فی مابین کارایی و عدالت.

استناد به مسئله «خطر توسعه علم و فناوری» در پرونده‌های قضائی متعددی در سطح

جهان به چشم می‌خورد از جمله: پرونده روغن کلزا و کدو تنبل در اسپانیا^{۲۲}، صدف‌های خوراکی غیرکشفی در استرالیا^{۲۳}، داروی Diethylstilbestrol در کلرادو، کانادا، دنور، بستون^{۲۴}، خون‌های آلوده به ویروس‌های ایدز و هپاتیت^{۲۵}، بحران جنون گاوی^{۲۶}، داروی تالی دومید^{۲۷}، داروی جلوگیری از سقط جنین^{۲۸}، پرونده موسوم به بیماران هموفیلی^{۲۹} و... که همه و همه به عنوان نمونه تجربی خاص در رابطه با خطر توسعه قابل بحث و بررسی می‌باشند، باشند.

۱-۱-۳. جایگاه خطر توسعه و دفاع مربوط به آن نزد قوانین کشورهای مختلف (مطالعه تطبیقی)

از منظر قوانین جاری نیز در سطح جهان پیرامون خطر توسعه و دفاع ناشی از آن، می‌شود به قوانین زیر اشاره نمود:

از جمله قوانین قابل مطالعه دستورالعمل جامعه اروپایی مصوب ۱۹۸۵^{۳۰} می‌باشد. در ماده ۶ دستورالعمل نسبت به تعریف کالای معیوب (و موجب مسئولیت تولیدکننده) آمده است: «کالا در صورتی معیوب است که با لحاظ نمودن مقدمات زیر سلامت مورد توقع فرد مصرف‌کننده را فراهم نیاورده: الف) ارائه کالا، ب) استفاده‌ای که به شکل معروف و متعارف از کالا تولید شده انتظار می‌رود، ج) زمانی که کالا تولید شده به جریان افتاده است». البته به گواه بخش دوم ماده مزبور «کالای تولید شده را فقط بدین دلیل که در آینده کالای با کیفیت‌تری به وجود آمده و تولید گشته است، نمی‌توان معیوب به حساب آورد و موجب مسئولیت تولیدکننده نخواهد بود». در همین میان دفاع خطر توسعه نیز در بند «E» ماده ۳۱۷ مقرر فوق به عنوان دفاع قابل پذیرش از سوی تولیدکننده پذیرفته شده است البته به جهت اختلافی که نیروهای تصویب‌کننده آن فی‌مابین خویش داشته‌اند جزء یکی از سه مورد اختیاری قابل نقض و یا ابرام دستورالعمل مزبور برای کشورهای عضو در ماده ۱۵ آن تلقی گردیده است.^{۳۲}

در کشور فرانسه نیز به عنوان عضوی از اتحادیه اروپا پس از ارائه دستورالعمل مزبور، مبادرت به تصویب قانون ۱۹ مه ۱۹۸۸ در راستای شناسایی و تدوین قواعد مسئولیت ناشی از عیب تولید و اضافه نمودن بندهای ۱۸ گانه ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه نمودند، در قانون فوق بعد از ارائه تعریفی از عیب تولید در بند ۴ ماده ۱۳۸۶، به شرح

زیر: «محصول در صورتی معیب است که ایمنی مقبول مورد نظر را تأمین ننماید» بند ۱ ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه تولیدکننده را مسئول خسارت وارده، بر مصرف‌کننده کالای معیب او قرار داده است خواه به طور مستقیم با تولیدکننده ارتباط مستقیم داشته و یا به شکل غیرمستقیم کالای معیب او را مصرف نموده باشد. پس از اشارات فوق بند ۱۲ م ۱۳۸۶ ق.م.ف موارد معافیت تولیدکننده را به شرح زیر بیان داشته است:

۱- اثبات این امر که تولیدکننده کالای معیب را در معرض فروش و جریان مبادله قرار نداده است مثلاً: در صورتی که کالای تولیدی ربوده شده باشد و سپس عرضه گردد.
۲- اثبات این امر که عیب در زمان عرضه و انتقال وجود نداشته یا پس از آن ایجاد شده است.

۳- اثبات این امر که تولید کالا به منظور ارائه و عرضه و فروش جهت استفاده مصرف‌کنندگان نبوده است: مثلاً: محصولی که برای آزمایش تولید شده است.

۴- اثبات اینکه وضع معلومات علمی و فنی در زمانی که محصول عرضه شده، کشف عیب را ممکن نمی‌ساخته است (مشایخ، شهبازی‌نیا و خوئینی، ۱۳۹۶، ص. ۵۱).

همان‌طور که مورد مطالعه قرار گرفت بخش ۴ بند ۱۲ م ۱۳۸۶ ق.م.ف نیز به روشنی خطر توسعه را به عنوان یکی از موارد معافیت تولیدکننده پذیرفته است. البته در ادامه بند ۱۲ قانون مدنی مزبور، خطرهای ناشی از پیوند اعضا بدن، خون و... را به جهت جوانب احتیاطی‌شان از تحت حاکمیت بخش ۴ بند ۱۲ خارج گردیده و تولیدکننده نمی‌تواند دفاع خطر توسعه را به کار بسته و سپس خویش را از مسئولیت برهاند. بلکه تولیدکننده بعد از ۱۰ سال مسئول کنترل محصول عرضه شده خویش بوده و باید به کنترل آن بپردازد (See: Hounius, 2010, p. 100; Fairgrieve, 2005, p. 92).

از منظر حقوق آمریکا، در سال ۱۹۶۳ میلادی توسط پرونده Greenman V. Yubapower product به مسئله مسئولیت تولیدکننده معیب ورود نمود (He and lui, 2011, p. 5). در بخش الف ماده ۴۰۲ قانون دوم مسئولیت حقوقی^{۳۳} (غیرکیفری) خویش به موضوع خطر توسعه اشاره داشته و با لحاظ جوانب امر آن را به عنوان یکی از دفاعیات مقبول پذیرفته است. همچنین این مهم در برخی ایالت‌های آمریکا مورد پذیرش واقع گشته است، از باب نمونه در ایالت کنتاکی این تفکر قضائی حاکم است که: «اگر

طراحی، روش ساخت و آزمایش، مطابق معیارهای عموماً شناخته شده و رایج با سطح دانش موجود در زمان انجام طراحی و ساخت محصول باشد، تولیدکننده مسئول نیست (Key Rev state, 1992).^{۳۴}

مطالعه کشور سوئیس نیز به جهت الگو بودن آن، در قانون‌گذاری فی‌مابین کشورهای مختلف از جهت قدمت آموزش حقوق در آن بسیار قابل توجه است، پس از آنکه قانون‌گذار آن کشور در ماده ۱ قانون مسئولیت ناشی از عیب تولید سوئیس مصوب ۱۸ ژوئن ۱۹۹۳ خویش به شکل تلویحی مسئولیت تولیدکننده را بر مبنای مسئولیت محض تبیین می‌نماید، آن هم تحت عبارت: «اگر محصول معیّب تولیدکننده، سبب خسارت به شخصی یا خسارت مالی گردد، تولیدکننده در برابر خسارت مسئول است» از خطر توسعه نیز به شرحی که خواهد آمد به عنوان یکی از اسباب معافیت تولیدکننده معیّب در قانون مزبور^{۳۵} (Rossmann, 1993, p. 60) یاد می‌کند: این مهم ذیل بند پنجم، بخش اول، ماده ۵، تحت عبارت «تولیدکننده مسئول نیست اگر اثبات نماید: ... «وضعیت علمی و فنی ناظر بر تولید محصول در زمان تولید و عرضه آن طوری بوده است که امکان کشف عیب وجود نمی‌داشت» عرضه گردیده و به پرسش چگونگی جایگاه دفاع خطر توسعه در حقوق سوئیس؟ پاسخی به غایت مثبت در راستای ابرام دفاع مزبور در آن کشور داده است. در میان کشورهای اروپایی دیگر، کشورهای بلژیک و ایتالیا هم به ترتیب: در بند هـ از ماده ۸ قانون مسئولیت تولید و بند هـ ماده ۶ فرمان ریاست جمهوری مورخ ۲۴-۱۹۸۸ دفاع نقض علم بشری (دفاع خطر توسعه) را به صراحت پذیرفته‌اند (Vonbar, 2009, p. 700; Bocken and Bondt, 2001, p. 260). همچنین است کشور انگلیس که تحت قانون موسوم به حمایت از حقوق مصرف‌کننده مصوب ۱۹۸۷، در ماده ۴ و ۷ خود به بررسی دفاع خطر توسعه پرداخته و استناد به آن را با در نظر گرفتن شرایط موجب معافیت مسئولیت تولیدکننده معیّب به حساب آورده است. و در نهایت کشور آلمان نیز در بند اول ماده ۵ قانون مسئولیت ناشی از عیب تولید مصوب ۱۹۹۰ پس از شرح مفهوم عیب تولید و موجبات آن در مواد پیشین، از موارد معافیت تولیدکننده معیّب را «نقص علم همگانی» در تولید و عرضه محصول و در نهایت پی‌نبردن به عیب پنهان آن، به حساب آورده است (Gerland, 2011, p. 92). شاید ذکر آن خالی از وجه نباشد که کشورهایی نیز وجود دارند که همچون لوگزامبورگ به جهت داعیه حمایت حداکثری از

مصرف‌کننده، دفاع ناشی از خطر توسعه را در بین قوانین مرتبط خود به عنوان دفاع قابل استماع برای تولیدکننده معیب محسوب نکرده‌اند (Linger, 1990, p. 499)؛ جهت مطالعه تفصیلی در خصوص نگاه قوانین کشورهای دیگر پیرامون خطر توسعه رجوع کنید به: قاسم‌زاده، (۱۳۹۳).

در این مقام تنها کشور باقیمانده جهت بررسی موضوع بحث فی ما بین قوانین آن، کشورمان ایران خواهد بود. در حقوق ایران از خطر توسعه به طور کلی سخنی رانده نشده، البته لازم به ذکر است که عیب تولید و مسئولیت ناشی از آن به شکل جست و گریخته در برخی قوانین خاص مورد بحث واقع گشته است، که می‌شود به بخشی از آنها به شرح زیر اشاره نمود: دو ماده ۲ و ۱۸ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان^{۳۶}، تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی اصلاح شده در سال ۱۳۶۷^{۳۷}، ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب سال ۱۳۸۶^{۳۸}. که در صورت لزوم مخاطبین گرانقدر می‌توانند به نصوص معرفی شده مراجعه نمایند. همچنین در فقه امامیه نیز که ضمان تولیدکننده از مسائل مستحدثه به حساب می‌آید عمدتاً به سه قاعده اتلاف، لاضرر و غرور استناد می‌نمایند تا مسئولیت تولیدکننده معیب را به اثبات رسانند. اما در راستای استنباط رویکرد مکتوم قانون‌گذار ایرانی در خصوص خطر توسعه و دفاع ناشی از آن ناگزیریم به عنوان نمونه یا به رویه جاری در کشورهای دیگر بنگریم، مانند مواردی که به اشارت گذشت و یا اینکه از مبانی و مؤیدات حقوق خویش که به اصطلاح دکترین حقوق بومی نامیده می‌شوند بهره گیریم، به نظر می‌رسد راه نخست را در صفحات گذشته پیموده‌ایم، پس پیمودن مجدد آن خطاست، اما علاوه بر الگوبرداری پیش گفته به نظر می‌توان با تمسک به قواعد و اصولی به شرح زیر خطر توسعه و بالتبع دفاع مربوط بدان را در فقه غنی امامیه که مبنای اصلی قانون‌گذاری در این مرز و بوم است، موجه نمود:

به عقیده نگارندگان در باب اثبات دفاع مزبور به عنوان اولین دلیل می‌توان به لزوم احراز رابطه سببیت اشاره کرد، مسئله‌ای حیاتی که عدم احراز آن موجب عدم مسئولیت مظنون خواهد شد. به موجب آن: «فردی ملزم به جبران زیان وارده خواهد بود که بین فعل او ضرر به بار آمده رابطه علیت مستقیم قایل احراز باشد». مفهومی که در ماده ۱ قانون

مسئولیت مدنی نیز منصوص گشته است و در لسان فقها نیز این رابطه «هو ایجاد فعل او ترک هو وسیله عرفا الی التلف» (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص. ۲۰۵) مسمی گشته است. حال با این وصف آیا در باب خطر توسعه، نقص حاصله به تولیدکننده مرتبط می‌باشد؟ به نظر می‌رسد پاسخ آن منفی خواهد بود، چرا که شاهد چنین انتسابی در این نوع خاص نخواهیم بود. علاوه بر استناد به قاعده تسبیب می‌توان به قاعده لاضرر نیز استناد نمود خصوصاً اگر در قرائت قاعده لاضرر نظر مرحوم نراقی را که منظور از نفی موجود در قاعده را نفی ضرر غیرمتدارک (نراقی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص. ۱۷) در نظر انگاشته است، بپذیریم زیرا در صورت عدم پذیرش دفاع مورد بحث ضرری غیرمتدارک بر سازنده بدون سوءنیت بار نموده‌ایم البته نسبت به ضرر حاصله از مصرف کالای معیوب در این فرض خاص و زیان وارده به مصرف‌کننده تمهیدی مطلوب با در نظر داشتن تجربه کشورهای پیش رو اندیشیده‌ایم تا ضرر وارده به مصرف‌کننده نیز بدون جبران باقی نماند، شاید لازم به یادآوری باشد که رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز در برابر استناد بی‌وجه سمره به قاعده تسلیط نسبت به صحیح جلوه دادن مزاحمت خویش برای خانواده مرد انصاری موضعی مطلوب که موجب زایش قاعده لاضرر گردید اتخاذ فرمودند، به همین ترتیب در این فرض خاص نیز استناد به قواعدی همچون اتلاف، لاضرر و... نمی‌تواند نافی لزوم پذیرش این دفاع در فقه امامیه باشد (مشایخ و خوئینی، ۱۳۹۷، ص. ۵۵). در کنار قواعد فوق قاعده انصاف نیز به نظر قابل استناد باشد، قاعده‌ای که بر خلاف باوری غلط نباید آن را محدود به فرض تلف مال امانی دو شخص خارجی نسبت به مال مشابه و البته مقدار متفاوت نزد امین نمود^{۳۹} (مروج، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص. ۶۴۵) بر مبنای خوانش میرزای بجنوردی از قاعده مزبور «انصاف این است که از روایت «(من اخرج میزاباً) قاعده کلی استظهار شود و آن قاعده این است که هر فعلی که از فاعل مختار صادر شود و آن فعل سبب ورود تلف در مال یا جان مسلمانان باشد و بین فعل و تلف، فعل فاعل عاقل از روی عمد و اختیار به طوری که نزد عرف و عقلاً تلف به او اسناد داده شده و فعل دیگری فاصله نشود، فاعل چنین سببی، ضامن است (مقرر: مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ص. ۴۳۸) اما همان‌طور که مشاهده می‌گردد در باب خطر توسعه نه عمد وجود دارد و نه سوءنیت، پس بدین‌سان دفاع مزبور در فقه غنی امامیه مؤیدی همچون قاعده انصاف نیز خواهد داشت. مزید بر استدلال‌های فوق، قاعده قابلیت پیش‌بینی ضرر نیز یارای استناد را

خواهد داشت، بر مبنای قاعده مزبور: «مدیون مسئول خسارتی که پیش‌بینی نمی‌کرده یا قابل پیش‌بینی نبوده نیست»^{۴۰} (غمامی، ۱۳۸۸، ص. ۲۶). همان‌طور که می‌دانیم مفهوم این قاعده در ماده ۲۲۱ قانون مدنی ایران نیز متبادر گشته و از حوزه نظر به وادی عمل ورود نموده است، البته چنین مفهومی تقریباً در باب فرض مطرح شده توسط صاحب جواهر نسبت به تصادم دو کشتی قابل اشاره می‌باشد، ایشان در این خصوص آورده‌اند: «اگر هر دو تفریط کرده باشند، هر دو مقصرند ولی اگر یکی از کشتی‌ها متوقف بوده و دیگری با آن برخورد نموده باشد، اگر صاحب کشتی متوقف علم به تصادم داشته و می‌توانسته از برخورد جلوگیری نماید لکن اقدامی را در این خصوص بذل ننماید، ضامن است، در غیر این صورت ضامن نخواهد بود» (صاحب جواهر، ۱۳۸۵، ج ۴۲، ص. ۱۲۱). کاملاً واضح می‌نماید که تولیدکننده در فرض وقوع نقص علم همگانی که موجب عیب فراورده گردیده کاملاً بی‌اطلاع بوده و خسارات حاصله از آن را پیش‌بینی نمی‌نموده بدین‌سان استدلال مذکور نیز موجب وجاهت بیشتر دفاع مزبور نزد فقه امامیه خواهد شد. همچنین توجه به صورت تازه‌ای از قاعده «من له الغنم و علیه الغرم» در پرتو نظریه هزینه اجتماعی^{۴۱} نیز می‌تواند مثبت دفاع مورد اشاره باشد، بدین بیان که واحدهای تولیدی به واسطه تولید، هزینه‌هایی را به افراد جامعه تحمیل می‌کنند و خود بابت آن پولی پرداخت نمی‌کنند. برای نمونه صنایعی که در کنار رودخانه قرار دارند و باعث آلودگی آب رودخانه می‌شوند و یا کشاورزانی که آب را آلوده به سموم می‌کنند، باعث مرگ ماهی‌ها و بیماری افراد پایین دست رودخانه می‌شوند. این موارد، آثار جانبی منفی این فعالیت‌های اقتصادی را بیان می‌دارد که در هزینه‌های خصوصی آنها لحاظ نشده است. بنابراین، این هزینه‌های غیرمشخص به هزینه‌های خصوصی افزوده می‌شود و هزینه اجتماعی تولید هر جامعه را به وجود می‌آورد

(<http://www-personal.umich.edu/~alandear/glossary/s.html#SocialCost>).

بر همین اساس، با توجه به تعریف هزینه‌های اجتماعی، به نظر می‌رسد موضوعات مشمول خطر توسعه نیز یکی از آن هزینه‌هایی باشند که لاجرم جوامع باید تحمل نمایند، البته همان‌طور که پیش از این تقریر نمودیم این بدان معنی نیست که مصرف‌کننده متضرر را از دریافت خسارت محروم نماییم لکن، مراد مسئول نشناختن تولیدکننده می‌باشد و در این مسیر نهادهایی را باید یافت تا وظیفه جبران زیان را بر عهده گیرند، این رویکرد در

فقه امامیه نیز قاعده «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْعَرْمُ» را به عنوان مؤید، به همراه خود دارد، زیرا در فرض مزبور جامعه که مصرف‌کننده نیز جزئی از آن به حساب می‌آید از تکامل فضای پیرامون خویش بهره خواهد برد و به همین ترتیب نیز قدری باید در برابر نامالایمات توسعه گام به گام جهان شکیبا باشد چرا که به سان پیشینیان به تحقیق و تجربه دریافته‌ایم علوم و اسرار جهان خلقت، کماکان در حال توسعه و مکاشفه‌اند و ما هنوز در صبح آغازین آفرینش قرار داریم. به همین ترتیب مذاق شریعت و بالتبع داب قانون‌گذار حکیم، که استدلال‌های پیشین به نوعی کاشف از اراده آن دو است، نظریات محتمل در خصوص عدم پذیرش دفاع مزبور را مردود می‌نمایانند. به عنوان واپسین استدلال می‌توان به مصلحت جامعه متبوع قانون برگرفته از فقه امامیه استناد کرد، مصلحتی که به توسعه جامعه گروه خورده است و اگر فقهای امامیه چنین دفاعی را نپذیرند در واقع مجرای تولید را مسدود نموده، مانع هرگونه نوآوری گردیده و بدین سان در ماراتن توسعه از سایر جوامع عقب می‌مانند، در نهایت نیز موجب فرو کاستن سطح زندگی اجتماعی خواهند شد. به هر تقدیر به نظر می‌رسد مسئول قلمداد نمودن تولیدکننده با تمسک به امری که در برخی از نوشتارهای مرتبط از منظر ماهیت‌شناسی با قوه قهریه همسان پنداشته شده با لحاظ نصوص شرعی^{۴۲} و قانونی^{۴۳} ناصحیح بوده، کما اینکه همان‌طور که می‌دانیم با فرص مبنای مسئولیت محض برای تولیدکننده معیب نیز، قوه قهریه موجب معافیت خواهد بود. البته از عبارت برخی فقها و حقوق‌دانان شهیر تحت عباراتی که وامدار عنوان خطر توسعه نبوده لکن با توسل بدان می‌توان روند تثبیت دفاع خطر توسعه را در فقه امامیه و حقوق ایران تسهیل نمود، بدین موضوع پرداخته‌اند، از آن جمله دو نظری که در ادامه خواهند آمد، می‌باشند: «در جایی که با اجرای قواعد فنی پزشکی، زیان به نقص علم منسوب می‌شود، از قلمرو ضمان طبیب خارج است، زیرا سبب اقوی نقص علم پزشکی است و ظاهر آن است که وی در حدود امکان‌های علم پزشکی متعهد به کوشش در راه شفای بیمار شده است» (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۳۸۵ به نقل از: قاسم‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۱). از میان فقیهان نیز ابن ادریس حلی در مقام تبیین حکم فرضی که پزشک تمامی اقدامات متعارف را انجام داده با این وجود ضرر به بیمار وارد گشته است، نظر به عدم ضمان می‌دهد و در مقام ارائه مؤیدات نظر خویش می‌فرماید: «اصل، دلالت بر برائت ذمه و عدم اشتغال دارد چرا که طبیب شرعاً موظف به درمان بیمار

بوده و در این راه به حصول نتیجه بهبودی وی متعهد نشده است بلکه بر اوست که سعی لازم را در حدود متعارف به منظور معالجه بیمار معمول دارد. در غیر این صورت مسئول شمردن طبیب موجب سد باب طبابت و امتناع پزشکان از درمان می‌گردد. مضافاً اینکه طبیب در فعل خویش مُحسن است و با اقدامات درمانی خود درباره بیمار احسان و نیکی می‌کند و نیکوکار را نمی‌توان مسئول شمرد؛ «و ما علی المحسنین من سبیل» و «هل جزاء الاحسان الا الاحسان». بنابراین ضمان به دلیل وجود اذن و مشروعیت فعل طبابت ساقط می‌گردد» (ابن ادریس، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص. ۳۹). حال با توجه به اشارت پیش گفته به عقیده نگارندگان پذیرش دفاع خطر توسعه در حقوق ایران قابل ابرام خواهد بود.

۲. تبیین مفهوم کارایی به همراه تحلیل دفاع مربوط به خطر توسعه علم از منظر کارایی

۲-۱. تبیین مفهوم کارایی و عناوین مشابه

کارایی^{۴۴} (بازده)^{۴۵} عبارت است از: مقایسه آنچه تولید می‌شود با آنچه که می‌تواند به واسطه مصرف همان منابع^{۴۶} به دست آید

(<http://www.businessdictionary.com/definition/efficiency.html>).

بدین ترتیب، کارایی^{۴۷} مفهومی است که هزینه منابع صرف شده در فرایند کسب هدف را ارزیابی می‌کند. بدین صورت که مقایسه خروجی‌ها به دست آمده با ورودی‌های مصرف شده میزان کارایی را مشخص می‌کند. برای سنجش کارایی هزینه تأمین منابع انسانی، هزینه استفاده از تجهیزات، نگهداری تسهیلات و نرخ بازگشت سرمایه و نظایر آن مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. در این تعبیر از کارایی، کاراترین سرپرست کسی است که واحدش بتواند با کمترین هزینه مواد و دستمزد روزانه کار کند. بدین ترتیب هدف نهایی کارایی به «حداکثر رساندن ثروت» می‌باشد^{۴۸} (Posner, 1985, p. 99) و آنچه واضح است حقوق و در این مرقومه قواعد مسئولیت مدنی خاصه مسئولیت ناشی از عیب تولید در صورتی می‌تواند به هدف مزبور تحقق بخشد که بر مجاری تحقق ثروت سخت نگرفته و حمایت حداکثری خویش را از تمامی فعالیت‌های بازده و توسعه طلبانه به نمایش گذارد. پیش از برشمردن نکات قابل برداشت از مفهوم کارایی در راستای تبیین قواعد خطر توسعه، ذکر این نکته لازم خواهد بود که کارایی به تنهایی هدف برای اقتصاد محسوب نمی‌گردد چرا که خود سازنده مفهومی بزرگتر تحت عنوان بهره‌وری^{۴۹} می‌باشد. بهره‌وری از مفاهیم علم

اقتصاد و مدیریت بوده و تعریفی بدین شرح دارد: «مقدار کالا و یا خدمات تولید شده در مقایسه با هر واحد از انرژی و یا کار هزینه شده بدون کاهش کیفیت یا به این شکل: اثربخشی^{۵۰} + همراه کارایی». با ملاحظه این مفهوم از بهره‌وری می‌توان گفت: برای مثال وقتی تنها نیمی از اهداف یک فعالیت (اثربخشی پنجاه درصد) با دو برابر منابع لازم (کارایی پنجاه درصد) محقق شود بهره‌وری به دست آمده بیست و پنج درصد خواهد بود.

۲-۲. تحلیل دفاع مربوط به خطر توسعه از منظر کارایی

به نظر می‌رسد در صورت بررسی نهاد خطر توسعه با مفهوم کارایی یا در معنای وسیع‌تر آن بهره‌وری باید به دو پرسش در این خصوص پاسخ داد:

۱- تبیین جایگاه مناسب خطر توسعه و بالتبع پذیرش دفاع مرتبط با آن در قوانین جاری کشورها تا چه اندازه می‌تواند به گسترش توسعه اقتصادی و پیشرفت سطح زندگی مدنی کشور هدف مدد رساند؟

۲- در صورت پذیرش دفاع خطر توسعه چگونه می‌توان از حقوق مصرف‌کننده معیب حمایت کرد و فرایندی مطلوب از منظر حقوق جهت جبران زیان متحمل شده برایش ترسیم نمود؟

۱) در راستای پاسخ به پرسش نخست باید گفت: اگر دفاع مربوط به خطر توسعه را از طرف تولیدکننده با اجماع شرایط نپذیریم در واقع مانعی از برای توسعه اقتصادی و گسترش فعالیت‌های صنعتی ایجاد خواهیم نمود خصوصاً در جوامع در حال توسعه عدم توجه به رویکرد مزبور می‌تواند بسیار خطرآفرین باشد، به نظر می‌رسد باید تمهیدی مطلوب اندیشید تا با گذر از چالش عدم توسعه در فرض عدم پذیرش دفاع خطر توسعه توسط تولیدکننده به نحوی از حقوق مصرف‌کننده نیز حمایت مطلوب به عمل آید، به هر تقدیر اگر مبنای تطبیق نظریه خطر توسعه در این نوشتار کارایی باشد با لحاظ هدف دستیابی به تولید مطلوب بیشتر با وجود هزینه کمتر، در مقایسه با فعالیت‌های اقتصادی مشابه این امر جزء با حمایت حداکثری از تولیدکننده خصوصاً در کشورهایی که به دنبال رشد و توسعه می‌باشند حاصل نمی‌گردد و باید در این مورد بدین امر ملاحظه گردد که: «هدف کارایی در حقوق مسئولیت مدنی (که مسئولیت ناشی از تولید معیب بخشی خاص از آن به حساب می‌آید) کاهش مجموع هزینه‌های حوادث و هزینه کم کردن حوادث

است» (Burrows and Veljanovski, 1981, p. 26). این نگرش در باب انتخاب مبنایی مناسب جهت مسئولیت مدنی تولیدکننده معیوب به چشم خورده است، چرا که در ابتدا در کشورهایی که امروزه تحت عنوان کشورهای توسعه یافته تلقی می‌گردند مسئولیت تولیدکننده با ابتدای بر نظریه تقصیر^{۵۱} توجیه می‌گردید اما پس از گذار از دوره رکود و قرار گرفتن بر محور پیشرفت این مسئولیت برای تولیدکننده مبنایی دیگر به نام مسئولیت محض به دست آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۶). جهت استناد به مؤیداتی مطلوب از برای استدلال فوق می‌توان به گزارش پیشنهادی کمیته اقتصادی و اجتماعی اتحادیه اروپا پیرامون مسئولیت تولیدکننده در رهنمود^{۵۲} ذیل بند ۲ ماده ۱ استناد نمود که پس از ارائه دیدگاه‌های پیرامون خطر توسعه در نهایت عدم پذیرش آن را موجب «رشد منفی توسعه خصوصاً از جهت علم و فناوری» برشمرده است.^{۵۳} همچنین در کمیسیون‌های مشورتی جهت تبیین مسئولیت در انگلستان نیز با وجود ابراز نگرانی از درج پذیرش دفاع خطر توسعه به دلیل احتمال نادیده انگاشتن حقوق مصرف‌کننده از جهت افزایش هزینه‌های تولید در فرض عدم توجه به دفاع خطر توسعه علم ابراز نگرانی نمودند. در پرونده دکتر فلدمن^{۵۴} نیز دیوان عالی ایالت نیوجرسی مقرر داشته است: «پذیرش مسئولیت عینی موجب تقلیل نوآوری و رقابت جهت عرضه فراورده‌های دارویی نوین خواهد شد» (<http://law.justia.com/cases/new-jersey/supreme-court/1991/125-n-j-117-1.html>). در چند سال اخیر نیز تحقیقی توسط مؤسسه پژوهشی «روسلی»^{۵۵} پیرامون تأثیرات اقتصادی خطر توسعه که جنبه مشورتی دارد منتشر گردید^{۵۶} که در آن عدم در نظر گرفتن دفاع خطر توسعه را موجب مرگ نوآوری و توسعه تلقی کرده است (ec.europa.eu/DocsRoom/documents/7104/attachments/1/translations/en/.../pdf). به هر حال باید در نظر داشت که کشورهای اروپایی نوآوری را شرط تحقق رقابت در نتیجه رشد و توسعه تلقی نموده‌اند.^{۵۷} البته همان‌طور که در بخش نخست مقاله گفته شد در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا هم کشورهایی مانند لوگزامبورگ و فنلاند^{۵۸} را می‌توان یافت که به جهت داعیه حمایت حداکثری از مصرف‌کننده، دفاع ناشی از خطر توسعه را در بین قوانین مرتبط خود به عنوان دفاع قابل استماع برای تولیدکننده معیوب محسوب نکرده‌اند (Linger, 1990, p. 499) که به نظر می‌رسد این رویکرد نیز در قوانین کشور مزبور به ثبات اقتصادی و توسعه مطلوب^{۵۹} آن مربوط می‌شود، بدین دلیل

قانون‌گذار کشور فوق، سرمستانه یک نمونه از مصلحت‌گرایی حمایتی را جهت مسئول شناختن تولیدکننده معیب در فرض خطر توسعه به نمایش می‌گذارد. البته لازم به ذکر است که پذیرش دفاع خطر توسعه به معنای نادیده انگاشتن حقوق مصرف‌کننده نزد کشورهای پذیرنده نمی‌باشد بلکه آنها به نهادی دیگر غیر از تولیدکننده مغبون از نقص دانش همگانی نگریسته‌اند و صرفاً با تمسک به حربه بهره‌مندی از تحولات اجتماعی مصرف‌کننده را محروم از دریافت خسارت نمی‌نمایند. البته در پاسخ از پرسش دوم به این مهم خواهیم پرداخت.

۲) پرسش دوم: در صورت پذیرش دفاع خطر توسعه چگونه می‌توان از حقوق مصرف‌کننده معیب حمایت کرد و فرایندی مطلوب از منظر حقوق جهت جبران زیان متحمل شده برایش ترسیم نمود؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال تعیین یک عنصر خارجی نسبتاً مرفه و سازمان یافته جهت جبران خسارت مصرف‌کننده کالای معیب به واسطه نقص علم همگانی خواهد بود، این رویکرد به مفهوم کارایی در نهایت بهره‌وری نزدیکتر بوده و موجبات رعایت بیشتر مصالح اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد، زیرا در تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی به دنبال سزادهی نخواهیم بود و برخلاف نظریه تقصیر که الزاماً مقصر باید مکافات عمل خویش را بر دوش بکشد به مدیریت قابل قبول دعاوی مسئولیت تنها از منظر جبران مطلوب زیان به همراه حفظ مصالح اجتماعی و در مقوله تولید فرآورده‌های نوین تأمین ایمنی زیستی می‌نگریم. بر همین مبنا هدف از توجه به مفاهیم اقتصادی همچون کارایی در تحلیل قواعد مسئولیت مدنی ارتقای رفاه اجتماعی از سه طریق: ۱- ایجاد انگیزه برای کاهش حوادث و خطرها (لزوم پیشگیری)، ۲- تحمیل و استناد درست و مناسب خسارات ناشی از حوادث، ۳- کاهش هزینه‌های اداری نظام مطالبه خسارت، تبیین گشته است (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۱، ص. ۷۷ و بادینی، ۱۳۸۴، ص. ۴۰۰) و در این مسیر به گواه خود دانش‌پژوهان عرصه حقوق اقتصادی نهادی همچون بیمه که بیرون از نزاع مسئولیت (که در این فرض خاص تولیدکننده و مصرف‌کننده نام دارند) است بهتر می‌تواند رفاه اجتماعی را تحقق بخشد (Shavell, 2004, p. 59). این امر در مواردی همچون خطر توسعه که سوءنیتی در کار نبوده و مسئول شمردن تولیدکننده دلیلی غیر از مصلحت پیش روی خود ندارد بیشتر به چشم می‌خورد.

زیرا بدون تردید جنبه تنبیهی مسئولیت مدنی در این‌گونه از امور کاملاً رنگ باخته و نقشی عرضی به خود می‌گیرد، توجه به اهداف مربوط به نظر می‌رسد با تمسک به نهادی همچون بیمه به شکل قابل قبولی تأمین گردد و موجبات کارآمدی بیشتر را برای جامعه متبوع خویش به ارمغان آورد، نگارندگان در سطور پیشین از بیمه صرفاً به عنوان وسیله‌ای فراگیر جهت تبیین مقصود خویش نام برده‌اند، زیرا به نظر می‌رسد علاوه بر به‌کارگیری نهاد بیمه می‌توان پیشنهاد تأسیس تراست‌های مرتبط با همکاری دولت و اتحادیه برندهای تولیدکننده یک محصول خاص را نیز ارائه نمود که به نظر می‌رسد با توجه به تخصص شرکت‌های تولیدکننده به علاوه نظارت دولت نتایج مطلوب‌تری چه از جهت تأمین حقوق مصرف‌کننده همچنین حفظ اعتبار تولیدکننده‌ای که درگیر امری به مثابه فورس ماژور گردیده است در مقایسه با بیمه مسئولیت به همراه داشته باشد، شایان ذکر است که نمونه این رویکرد در خصوص جبران زیان‌های ناشی از مصرف داروی تالی دومید^{۶۰} قابل مشاهده می‌باشد بدین شرح که: بازماندگان تالی دومید در آلمان سالانه ۱۰ هزار پوند از یک صندوق تأسیس شده توسط شرکت کمی گرونتال و دولت دریافت می‌کنند. همچنین زیان‌دیدگان تالی دومید در انگلیس نیز سالانه ۲۰ هزار پوند تحت نظارت تراست تالی دومید از دولت انگلیس و شرکت دیستیلرز دریافت می‌نمایند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۷۳)،

(<https://helix.northwestern.edu/article/thalidomide-tragedy-lessons-drug-safety-and-regulation>).

همچنین این رویکرد در کشور اتریش نسبت به فراورده‌های خطرناک دارویی بر مبنای مصوبه تأمین خسارت سال ۱۹۷۳ و کشور آلمان در راستای جبران زیان ناشی از زیان‌های برآمده از مسئله خون‌های آلوده به ایدز (که این پرونده شامل دانمارک هم می‌شد)، به علاوه در اسپانیا پیرامون جبران ضررهای ناشی از روغن کلزا آلوده و در پرتغال نیز نسبت به تأمین خسارت‌های ناشی از خون‌های آلوده به ایدز و هپاتیت بر مبنای ماده ۳ از قانون ۱۹۹۳ مسئولیت تولید، مورد نظر بوده تا به تأسیس صندوق‌های جبران خسارت بر حسب مورد با مشارکت دولت و اتحادیه‌های تخصصی اقدام نمایند (Rosselli, 2002, p. 78).

نتیجه‌گیری

نتیجه حاصله از این تحقیق را می‌توان در لزوم پذیرش دفاع مربوط به خطر توسعه علم نزد کشورهای که در این خصوص سکوت اختیار نموده‌اند مانند ایران با توجه به مفهوم کارایی و بهره‌وری توسعه‌محور خلاصه نمود. به نظر می‌رسد در نظر انگاشتن تجربه و اقدامات کشورهای توسعه‌یافته و پیروز در عرصه علم و فناوری که به برخی از آنها نیز در مطالعات تطبیقی صورت گرفته در مرقومه پیش رو نیز اشاره گردید مثمرتر بوده و راهنمایی مفید محسوب گردند. علاوه بر نگرش اقتصادی بر مسئله خطر توسعه که نتیجه‌ای جزء لزوم پذیرش آن را به همراه نخواهد داشت، بر این عقیده هستیم که نگاه عادلانه نیز حاصلی غیر از تأیید دفاع مربوط به خطر توسعه را به ارمغان نخواهد آورد، زیرا دست تولیدکننده را در امری به مثابه فورس ماژور که غیر متناسب به اوست از حربه دفاع خالی گذاشتن دور از عدل و انصاف خواهد بود. علاوه بر آن با تمهیدی که در خصوص حفظ حقوق مصرف‌کننده به واسطه تأسیس تراست‌های جبران اندیشیده‌ایم نیز، نگرانی از بابت تضييع حقوق مصرف‌کننده معيب حداقل از باب مسئولیت مدنی که هدفی جزء جبران خسارت برای آن متصور نیست، نخواهیم داشت. به هر تقدیر امیدواریم این نوشتار با تمامی ضعف‌هایی که برایش متصور است قدمی مثبت در رفع چالش حقوقی خواستگاه خویش محسوب گردیده و برآمد آن برای متولیان امر خطیر قانون‌گذاری نیز مفید به حساب آید.

یادداشت‌ها

1. Product liability
 2. Development risk
 3. Defense of development risk
 4. Development management
 5. Risk Management
 6. Futures studies
 7. Development
۸. در اینجا علوم اجتماعی به مفهوم عام در نظر گرفته شده و مقصود صرفاً جامعه‌شناسی نیست.
9. Progress
 10. Growth
 11. Wolff
 12. Jastus Moser
۱۳. به کمال رسیدن
۱۴. البته کاملاً مشخص است که از منظر اقتصادی در دوره دوم و سوم که کشورهای مبدأ این تقسیم‌بندی از یوق عقب‌ماندگی به نسبت رهایی می‌یابند، دیگر مانند گذشته به کارایی اقتصادی صرف ننگریسته و عدالت را نیز نزد خویش در نظر می‌گیرند.
۱۵. دکتر کاتوزیان.
16. Strict liability
۱۷. منظور از مسئولیت محض یا مسئولیت نوعی آن است که، در صورت ورود خسارت به مصرف‌کننده در نتیجه مصرف کالای معیوب، تولیدکننده، مسئول جبران زیان است. بی‌آنکه مصرف‌کننده برای گرفتن خسارت، مکلف به اثبات تقصیر تولیدکننده باشد، لذا اثبات بی‌تقصیر و نداشتن عمد، باعث معافیت تولیدکننده نمی‌شود (صادقی، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۵).
18. Development risk
۱۹. استاد فقید دکتر کاتوزیان برای نخستین بار در حقوق ایران ذیل مقاله‌ای تحت عنوان «حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه» به عبارت «خطر توسعه» اشاره نموده و تعریف مختصری نیز از آن ارائه کردند.
20. product
 21. Defence of Development risk
 22. In 1981, over six hundred people in Spain died from a mystery illness. Panic mounted as people across Europe read the news. Eventually, the epidemic was declared the result of food contamination-but some scientists think there's more to the story.(see: <http://io9.gizmodo.com/what-caused-this-deadly-epidemic-in-spain-in-1981-1665574317>).
 23. Ryan v Great Lakes Council [1999] FCA 177; (05 March 1999) ATPR (Digest) 46-191 NEGLIGENCE-Representative claim on behalf of consumers of oysters

- who contracted hepatitis A from contaminated oysters-Growing area management standards and practices... (<https://jade.io/j/?a=outline&id=116375>)
24. <https://www.courtlistener.com/opinion/1281579/belle-bonfils-m-bl-ctr-v-dist-court/>
25. Hines v. St. Joseph's Hospital 527 P.2d 1075 (1974) 86 N.M. 763 Paul Hines and Tommie Hines, Plaintiffs-Appellants, v. ST. JOSEPH'S HOSPITAL, a non-profit corporation, and Blood Services, Inc., d/b/a Blood Services of New Mexico, Defendants-Appellees. No. 1316. Court of Appeals of New Mexico. September 18, 1974 (see: <http://law.justia.com/cases/new-mexico/court-of-appeals/1974/1316-1.html>).
26. Judgments of the Court in Cases C-157/96 and C-180/96 .The Queen v Ministry of Agriculture, Fisheries and Food ex parte: National Farmers' Union and Others United Kingdom v Commission of the European Communities... (see: <http://curia.europa.eu/en/actu/communiqués/cp98/cp9831en.htm>)
27. Many children in the 1960's, like the kindergartner pictured above, were born with phocomelia as a side effect of the drug thalidomide, resulting in the shortening or absence of limbs. (Photo by Leonard McCombe//Time Life Pictures/Getty Images) In a post-war... and... (<https://helix.northwestern.edu/article/thalidomide-tragedy-lessons-drug-safety-and-regulation>) And see: (Contempt and the Thalidomide Case :D. G. T. Williams ,The Cambridge Law Journal ,Vol. 32, No. 2 (Nov), pp. 177-181) (And see: h.kim ,james and scialli ,Anthony R(2011), Thalidomide: The Tragedy of Birth Defects and the Effective Treatment of Disease,toxicology journal, oxford university. (<http://toxsci.oxfordjournals.org/content/122/1/1.full.pdf+html>).

(این دارو معروف به داروی «بیماری صبح» می‌باشد).

28. Brief Fact Summary. The Plaintiff, Sindell (Plaintiff), developed cancer as a result of a drug her mother took while pregnant. Synopsis of Rule of Law. In certain circumstances where the plaintiff is unable to identify the actual tortfeasor and it is unjust to preclude them from recovery, then the group responsible for the overall harm can be held liable. (see: <http://www.casebriefs.com/blog/law/torts/torts-keyed-to-prosser/causation-in-fact/sindell-v-abbott-laboratories>) and see: (<http://scholarship.law.berkeley.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2234&context=californialawreview>).
29. Contaminated haemophilia blood products were a serious public health problem in the late 1970s through 1985. These products caused large numbers of haemophiliacs to become infected with HIV and hepatitis C. The companies involved included Alpha Therapeutic Corporation, Institut Mérieux (which then became Rhone-Poulenc Rorer Inc., and is now part of Sanofi), and <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/07/fabius-trip-tehran-infected-blood-hiv.html>.

در این خصوص دو پایان‌نامه نیز در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه خوارزمی تهران تحت عناوین «بررسی خسارت معنوی در مسئولیت مدنی با توجه به پرونده موسوم به هموفیلی‌ها» و «رابطه سببیت در جبران خسارت با توجه به پرونده موسوم به هموفیلی‌ها» دفاع گشته است:

http://libportal.khu.ac.ir/web/guest/home?p_p_auth=mmwYiiG7&p_p_id=3&p_p_lifecycle=0&p_p_state=maximized&p_p_mode=view&_3_struts_action=%2Fext%2Fsearch%2FviewResultList&_3_diglib=localhost%3A8080&_3_diglibCode=1&_3_databaseId=0&_3_serverNumber=0&_3_docID=TF&_3_countResultSearch=2&_3_selectSearch=searchCollection&_3_numberPage=1&_3_fromRecord=1

30. EC Product Liability Directive (1985)

31. Article 7: The producer shall not be liable as a result of this Directive if he proves: ... (e) that the state of scientific and technical knowledge at the time when he put the product into circulation was not such as to enable the existence of the defect to be discovered (<http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex:31985L0374>).

۳۲. سه گزینه اختیاری رهنمود: ۱- دفاع خطر توسعه، ۲- سقف مالی، ۳- پوشش فرآورده‌های خام کشاورزی و پردازش نشده (قاسم‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۹۲).

33. Second and third of tort (1965)

۳۴. در خصوص مطالعه پیرامون عیب تولید و خطر توسعه در ایالات آمریکا رجوع کنید به: قاسم‌زاده، ۱۳۹۳.

35. Product liability act 1993.

36. http://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/136112

37. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94734>

38. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/960728>

۳۹. و هی کون الضرر بفعل کلیهما - فالظاهر أن الحكم فیها هو تخییر المالكین فی إتلاف أحد المالین بخصوصه مع تحملهما الضرر بالاشترک، لتحققه بفعلهما، فمقتضى قاعدة العدل والإنصاف هو ذلك. و لو امتنعا عن إتلاف أحد المالین رفع الأمر إلى الحاكم، و هو یتلف أبیها شاء، و یقسم الضرر بینهما بقاعدة العدل المذكورة المعمول بها فی تلف درهم عند الودعی (موسوی بجنوردی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۰).

۴۰. ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی فرانسه نیز گویای این امر است:

[Le débiteur n'est tenu que des dommages et intérêts qui ont été prévus ou qu'on a pu prévoir lors du contrat, lorsque ce n'est point par son dol que l'obligation n'est point exécutée].

41. Social cost

۴۲. لا یُکَلِّفُ اللّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (بقره / آیه ۲۸۶)، قاعده منع تکلیف ما لا یطاق و...

۴۳. مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی

44. efficiency

۴۵. البته برخی از محققین بین مفهوم بازده و کارایی تفاوت قائل شده‌اند و واژه بازده را بسیار خاص در نظر انگاشته‌اند (مشایخ و خوئینی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۶).

۴۶. منابع تولید: در علم اقتصاد مجموعه عواملی که موجب ایجاد کالاها و خدمات می‌شوند، منابع یا عوامل تولید نام دارند. از ترکیب انعطاف‌پذیری و قابلیت تغییرپذیری مزیت عوامل تولید، می‌توان کالاهای متنوعی تولید کرد. این منابع به منابع تولیدی اقتصادی نیز معروف‌اند. برخی منابع، مانند اکسیژن موجود در هوا فراوان بوده و افراد برای دریافت آنها پولی پرداخت نمی‌کنند. منابع تولید اقتصادی عبارتند از: منابع طبیعی؛ منابع انسانی؛ سرمایه مادی (مشایخ و خوئینی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۶).

۴۷. به نظر می‌رسد برخلاف نظریه رایج کارایی الزاماً مخالف عدالت (Justice) نخواهد بود، اما آنچه از کارایی نزد ذهن عمده دانش‌پژوهان نقش بسته است نظریه کارایی پارتو (Pareto efficiency) بوده که خود یک تفسیر خاص از کارایی می‌باشد در این نظریه: که به بهینگی پارتو نیز شهرت دارد، یک مفهوم در علم اقتصاد بوده به همراه کاربردهایی در مهندسی و علوم اجتماعی. این مفهوم حالتی از تخصیص منابع است که در آن امکان بهتر نمودن وضعیت یک فرد بدون بدتر کردن وضعیت فردی دیگر وجود ندارد. این اصطلاح پس از ویلفردو پارتو به این نام نامیده شد. یک مهندس و اقتصاددان ایتالیایی که از این مفهوم در مطالعاتش در زمینه کارایی اقتصادی و توزیع درآمد استفاده کرده است

(<http://www.encyclopedia.com/people/social-sciences-and-law/economics-biographies/vilfredo-pareto>).

48. Wealth maximization

49. Productivity

۵۰. اثربخشی (Effectiveness) یعنی به‌دست آوردن نتیجه مورد نظر در واقع هنگامی فعالیتی اثربخش تلقی می‌شود که نتیجه مورد انتظار با به کار بستن روش صحیح و حرفه‌ای به بار نشیند (<http://www.dictionary.com/browse/effectiveness>).

51. Negligence

52. Economic and Social Committee (ECOSOC), Report on Proposal for a Council Directive on Liability for Defective Products, COM (1976).

۵۳. البته در برخی از نوشتارها به مقرراتی که در این قسمت طرح می‌نماییم از باب بیان ادله موافقین دفاع خطر توسعه به طور کلی اشاره شده است (ر.ک: قاسم‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۳).

54. Feldman v. Lederle Laboratories Annotate this Case 125 N.J. 117 (1991).

55. FONDAZIONE ROSSELLI.

56. Analysis of the Economic Impact of the Development Risk Clause as provided by Directive 85/374/EEC on Liability for Defective Products.

57. 413\96/EC: Council Decision of 25 June 1996 on the implementation of a Community action programme to strengthen the competitiveness of European industry/ see: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A31996D0413>

58. www.roschier.com/sites/default/files/product_liability_2009_finland.pdf

59. http://europa.eu/european-union/about-eu/countries/member-countries/luxembourg_en
60. Thalidomide

کتابنامه

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۳۸۶). موسوعه ابن ادریس (بخش السرائر). قم: دلیل ما.
۲. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. تهران: سهامی انتشار.
۳. حریری، محمدیوسف (۱۳۸۸). فرهنگ موضوعی تشریحی علوم اقتصادی. تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.
۴. خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵ق). جامع المدارک. تهران: مکتب صدوق.
۵. شاهین، آرش و مهبد، محمدعلی (۱۳۸۵). مدیریت فرایند ترسیم نقشه جامع علمی کشور؛ رویکردی نظام‌مند و متوازن به رشته‌های علمی دانشگاه‌ها، کنگره ملی علوم انسانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۸۵). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷. صادقی، محسن (۱۳۸۶). «مسئولیت ناشی از کالای معیوب: مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق سوئیس و ایران». فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، (۴۴).
۸. قاسم‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۳). تحلیل حقوقی خطر توسعه (رساله دکتری). دانشگاه قم، قم، ایران.
۹. غمامی، مجید (۱۳۸۸). قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات سهامی انتشار.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). «حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۶۸).
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). مسئولیت ناشی از عیب تولید. تهران: گنج دانش.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). الزامات خارج از قرارداد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. مشایخ، میلاد و خوئینی، غفور (۱۳۹۷). سه گفتار پیرامون مسئولیت ناشی از عیب تولید. تهران: انتشارات مخاطب.
۱۴. مشایخ، میلاد؛ شهبازی‌نیا، مرتضی و خوئینی، غفور (۱۳۹۶). «مسئولیت ناشی از عیب تولید با رویکردی بر تولید محصولات تراریخته». مجله مجلس و راهبرد، (۹۲).
۱۵. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ لغت معین. تهران: انتشارات نامن.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهیة. قم: انتشارات مدرسه فقهیه امیرالمؤمنین

(علیه السلام).

۱۷. مونتقی، احمد (۱۳۸۳). «توسعه سیر تحول مفهومی و نظری». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۶۳)، صص. ۲۲۳-۲۵۲.

۱۸. موسوی بجنوردی، میرزاحسن (۱۴۳۰ق). *التواعد فقهیه*. قم: دلیل ما.

۱۹. نراقی، احمد (۱۴۰۰ق). *عوائد الایام*. قم: بصیرتی.

20. Barnett, tony (1989). *social and economic development*. new York: the Guilfor.
21. Bondt, Walter de & Bocken, Hubert (2001). *Introduction to Belgian Law*. netherlands: Kluwer Law.
22. Burrows, P. and Veljanovski, C. G. (1981). *The Economic Approach to Law*. London: amazon.
23. Ewoud Hondius (2010), *The Development of Medical Liability*, Cambridge, Cambridge University Press.
24. Esteva, Gustavo (1992). *development, in develop dictionary*. London: oxford university.
25. Fairgrieve, Duncan (2005). *Product Liability in Comparative Perspective*.
26. Cambridge: Cambridge University.
27. Haas, Maichael (1992). *Polity and Society: Philosophical Underpinnings of Social Science Paradigms*. newyork: praeger.
28. He, Zhen and Liu, Hong (2011). "AComparative Study of Product Liability of the United States and China". *comparative study journal*. Linger, Lori M. (1990). "The ProductsLiability Directive: A Mandatory Development RisksDefense". *Fordham International Law Journal*, Volume 14, Issue 2.
29. Key Rev state (1992). Burrows, P, Veljanovski.
30. Oliver Rieckers Gerland Spindler (2011). *Tort Law in Germany*, Kluwer Law International pub.
31. Oxford university researcher (1998). *Oxford dictionary*. Oxford: oxford university.
32. Posner, Richard A. (1985). "Wealth Maximization Revisited". *Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy* 85.
33. Riggs, fred w. (1984). *Development*. social sciences concepts, London: west.
34. Rosselli, Fondazione (2002). *Analysis of the Economic Impact of the Development Risk Clause as provided by Directive 85/374/EEC on Liability for Defective Products*.
35. Rossmanith, H. P. (1993). *Structural Failure: Technical, Legal and Insurance Aspects*. vienna: FN.
36. Shavell's, Steven (2004). *Foundations of Economic Analysis of Law*. Harvard: Harvard University.
37. Vonbar, Christian (2009). *Non-Contractual Liability Arising Out of Damage Caused to Another*. sellier: european law.